



بخش هر کتابی از این مترجم‌ها دیدی

بهترین مترجمان ادبیات کشور چه کسانی هستند؟

احمد محمدتیریزی / خیلی‌ها می‌گویند کتاب‌ها را فقط باید به زبان اصلی خواند و مطالعه ترجمه لطف زیادی ندارد. در پاسخ به این افراد باید گفت اگر مترجم کتاب دقیق و حرفه‌ای باشد، دیگر نباید نگرانی زیادی از بابت خواندن ترجمه داشت، چون خیالت راحت است که مترجم در نهایت وفاداری به زبان اصلی و دقت در انتخاب کلمات، کتاب را ترجمه کرده است. اگرچه مترجمان حرفه‌ای و مسلط به زبان مبدأ و مقصد در ادبیات کشورمان زیاد نیستند ولی همین تعداد به قدری کارشان را خوب انجام می‌دهند و آثار مهمی را برپایمان ترجمه کرده‌اند که خیالمان از بابت خواندن کتاب راحت می‌شود.



مهدی غبرایی
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: کافکا در کرانه، بادبادک باز، الیور توئیست و ترانه‌های شبانه

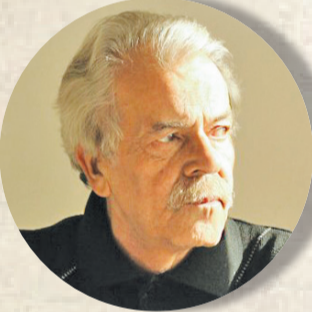


مهدی غبرایی در دانشگاه تهران علوم سیاسی خواند و از سال ۶۰ به صورت حرفه‌ای کار ترجمه را شروع کرد. غبرایی به نسبت دیگر مترجمان جوانتر است. او کمی دیر کارش را شروع کرد ولی در مدت زمان کوتاهی نشان داد. غبرایی در انتخاب اثر، خود را محدود به یک جغرافیا نکرده و دست به انتخاب کتاب‌های مختلفی از نویسندگان صاحب‌نام زده است. غبرایی در ترجمه امانتداری را اصلی مهم می‌داند و با آگاهی و دقت زیادی ترجمه‌هایش را انجام می‌دهد.

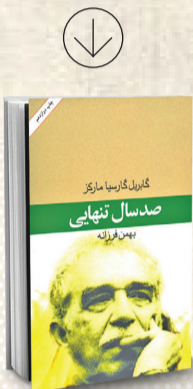


عبدالله کوثری
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: شوربز، آتورا، گفت‌وگو در کاتدرال و پوست انداختن



کار عبدالله کوثری یک تفاوت عمده با سایر مترجمان شاخص دارد. او به صورت ویژه و مجزا روی ادبیات آمریکایی لاتین تمرکز کرد و سهم زیادی در معرفی و آشنایی با ادبیات این منطقه دارد. خودش علاقه‌اش به ادبیات آمریکایی لاتین را چنین توصیف می‌کند: «ادبیات اروپا از دهه ۷۰ و ۸۰ به بعد ادبیات پویایی نیست. در ایالات متحده در دهه ۷۰ و ۸۰ همینگوی، فاکتر و جان اشتان بک نداریم و یک‌باره ادبیاتی از سرزمین استعداد زده و فقیر به پا می‌خیزد و جهان را خیره می‌کند. تجربه جدید آنها در شیوه بیان و هم در تعریف انسان باعث شد هم در ایران و هم در جهان این ادبیات به عنوان پویاترین ادبیات معاصر شناخته شود.» اما امروز بخش مهمی از آشنایی‌مان با نویسندگان بزرگی مثل ماریو بارگاس یوسا و کارلوس فوننتس را مدیون ترجمه‌های کوثری هستیم. او با ظرافت و طبع ادبی خودش، کتاب‌ها را ترجمه می‌کند و همین توانمندی، خواندن اثر را به تجربه‌ای لذت‌بخش تبدیل می‌کند. کوثری تا به حال چندین بار برنده جایزه کتاب سال شده و نامش یک برند پراعتبار در ادبیات ایران به شمار می‌رود.



بهمن فرزانه
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: صد سال تنهایی، بر لبه پرتگاه، عشق در زمان وبا و عشق‌های بدون عشق



بهمن فرزانه کار ترجمه را با آثار «تنسی ویلیامز»، نویسنده مشهور آمریکایی شروع کرد و پس از آن به ترجمه آثار نویسندگان مشهوری مثل «گابریل گارسیا مارکز»، «آلبا دسس پدس» و «فیلیس هستینگز» رسید. فرزانه تسلط زیادی به زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، اسپانیایی و فرانسوی داشت و همین جایگاه ویژه‌ای برای او در ادبیات ایران رقم زده است. ترجمه اثری مثل «صد سال تنهایی» کار راحتی نیست و مترجم زبردستی مثل فرزانه را می‌خواهد. دانش بالای زبانی فرزانه، دست او را برای انتخاب اثر باز می‌گذاشت. به همین خاطر این مترجم از ادبیات آمریکایی لاتین به ادبیات کشورهای اروپایی سفر می‌کرد. بهمن فرزانه طی ۵۰ سال، بیش از ۸۰ اثر را ترجمه و تألیف کرد. او معتقد بود که همه کتاب‌های یک نویسنده، موفق از آب در نمی‌آیند و به همین دلیل باید بهترین آنها را کشف و ترجمه کرد.



سروش حبیبی
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: جنگ و صلح، آناکارینا، خداحافظ گری کوپر، مرگ ایوان ایلیچ و شب‌های روشن



برای پی بردن به قدرت ترجمه سروش حبیبی کافی است تنها یکی از کتاب‌هایی را که ترجمه کرده بخوانید. ترجمه‌های او فوق‌العاده خواندنی و روان هستند به گونه‌ای که از شدت خوش خوانی تصور می‌کنید کتاب به زبان فارسی نوشته شده است. حبیبی یکی از معدود مترجمان چند زبانه ادبیات ایران است. او پس از آموختن زبان آلمانی، زبان‌های انگلیسی و فرانسوی را نیز آموخت و در ادامه به سراغ زبان روسی رفت و آشنایی کاملی با این زبان پیدا کرد. به خاطر همین تسلط زبانی، دست حبیبی برای انتخاب اثر باز بود و او به سراغ شاهکارهای ادبی مهمی رفت. سروش حبیبی آثار مهمی از ادبیات روسیه و آلمان را ترجمه کرده و چقدر خوب که چنین مترجمی به سراغ این شاهکارهای ادبی رفته است. اعتماد خوانندگان ایرانی به شیوه ترجمه او به قدری بالاست که هر یک از ترجمه‌های تازه او از آثار نویسندگان مشهوری چون داستایوفسکی که سال‌ها پیش به فارسی ترجمه شده بوده‌اند با استقبال روبرو می‌شود.



نجف دریابندری
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: بی‌مرد و دریا، گور به گور، پیامبر و دیوانه، بازمانده روز و سرگذشت هاگلبری فین



مترجم شدن نجف دریابندری از آن اتفاقات جالب ادبیات کشور است. او زبان را به صورت خودآموز آموخت و در این کار به مرحله استادی رسید. دریابندری سهم مهمی در آشنایی مردم با مهم‌ترین آثار ادبی جهان دارد. او با خوش‌سلیقگی و گزیده‌کاری و با تسلط مثال‌زدنی به زبان فارسی، زبان‌های مطرح و مشهوری را به فارسی‌زبانان معرفی کرد. دریابندری سهم زیادی در آشنایی عموم مردم با نویسندگان بزرگی مثل همینگوی، فاکتر، سوفوکل، مارک تواین و ایشی گورو داشت. دریابندری همچنین با ترجمه «تاریخ فلسفه غرب» برتراند راسل علاقه‌مندی‌اش به فلسفه را نشان داد و یکی از کتاب‌های مهم این شاخه را ترجمه کرد. نجف دریابندری انسانی فرهیخته به معنای واقعی کلمه بود. تمام عمر پربارش در خواندن، نوشتن و تفکر گذشت و در زمینه‌های مختلفی آثار ماندگاری از خود به جا گذاشت. کارشناسان ادبی می‌گویند دریابندری در آخرین ترجمه‌هایش، گامی فراتر از انتقال زبانی انجام داد و سعی در ترجمه لحن و سبک اثر داشت.



محمد قاضی
نویسنده و مترجم

مهمترین کتاب‌هایی که ترجمه کرده: شازده کوچولو، دن کیشوت، زوربای یونانی و مادام بواری



محمد قاضی در مهاباد به دنیا آمد و زندگی سخت و دراماتیکی را تجربه کرد. درگذشت پدر در کودکی و دوری از مادر روزهای سختی را برای محمد کم سن و سال رقم زد ولی او با بهره‌مندی بالایی که داشت خیلی زود با ادبیات ایران و زبان فرانسه آشنا شد. قاضی از سال‌های دهه ۲۰ کار ترجمه را شروع کرد. ترجمه ساده و روان و خواندنی او از کتاب «جزیره پنگوئن‌ها» به قلم آنتوان فرانس، موجب شد تا این کتاب از ته انبارهای کتابفروشی‌ها نجات پیدا کند. نجف دریابندری با قدردانی از شیوایی ترجمه قاضی در روزنامه اطلاعات درباره ترجمه او نوشت: «مترجمی که آنتول فرانس را نجات داد.» ترجمه اثر ماندگار آنتوان دوست اگزوپری به نام «شازده کوچولو» کار چندان ساده‌ای نیست. این موضوع را با خواندن ترجمه‌های مختلفی که از کتاب انجام گرفته می‌توان فهمید. هنوز عاشقان «شازده کوچولو» معتقدند ترجمه قاضی از این کتاب، بهترین ترجمه موجود در ایران است. محمد قاضی به مدت ۵۰ سال ترجمه کرد و نوشت و در این مدت ۶۸ اثر را به زبان فارسی برگرداند. قاضی سال ۱۳۷۶ در ۸۴ سالگی در تهران درگذشت.

